

تحلیل سیاسی هفته (۱۳۲)

انگیزه‌ها و دلایل روسیه برای کمک نظامی به دولت قانونی سوریه

مقدمه

در روزهای اخیر موضوع تصمیم روسیه برای افزایش کمک‌های نظامی به دولت بشار اسد و تقویت حضور نظامی خود در سوریه از مهمترین اخبار و تحولات مرتبط با این کشور بوده است. چندی پیش خبرگزاری‌ها از استقرار ۲۸ جنگنده سوخو در پایگاه لاذقیه خبر داده بودند. برخی منابع خبری نیز از حضور مستشاران و نیروهای نظامی روسیه در سوریه خبر دادند. یک منبع نظامی سوری نیز اعلام کرده بود که ارتش سوریه از هواپیماهای بدون سرنشین روسیه در عملیات علیه تروریست‌ها استفاده می‌کند. همچنین برخی گزارش‌ها از تأسیس پایگاه نظامی روسیه در یکی از فرودگاه‌های سوریه خبر می‌دهند.

موضوع کمک نظامی روسیه به دولت قانونی بشار اسد البته موضوع جدیدی نیست و در گذشته هم اتفاق افتاده بود. از جمله مسکو در مردادماه گذشته به فرودگاه نظامی «المزه» در دمشق شش جنگنده از نوع میگ ۳۱ فرستاد که این اقدام در چارچوب توافق تسلیحاتی میان دو کشور صورت گرفته بود. روسیه در سال‌های قبل نیز تجهیزات نظامی چون موشک‌های زمین به هوا را در اختیار دمشق قرار داده بود و اساساً دولت سوریه یکی از مهمترین خریداران تسلیحات روسی در غرب آسیا بوده است.

دلایل افزایش حضور نظامی روسیه در سوریه

با این حال تحولات هفته‌های اخیر از تصمیم مسکو برای افزایش قابل توجه حضور نظامی خود در سوریه و ورود فعال‌تر به معادلات نظامی و امنیتی این کشور حکایت دارد. این امر تحلیل‌های مختلفی را در خصوص علل و عوامل تمایل روسیه برای افزایش حضور خود مطرح کرده است. کارشناسان و ناظران سیاسی هر یک دلایلی را برای این تصمیم روسیه عنوان می‌کنند. به‌طور کلی و با در نظر داشتن مجموعه تحولات مربوط به بحران سوریه در چهار سال اخیر از یک طرف و نیز با توجه به شرایط میدانی موجود در سوریه و نیز نحوه عملکرد کشورهای غربی در قبال این بحران از طرف دیگر و همچنین با ارزیابی و تحلیل راهبردها و ملاحظات روسیه در حوزه سیاست خارجی می‌توان از مجموعه موارد ذیل به‌عنوان دلایل اصلی تصمیم مسکو برای افزایش حضور نظامی خود در سوریه نام برد:

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۶۰۱۴۴۶۶

تاریخ انتشار:
۱۳۹۴/۷/۷

۱. واکنش به سیاست‌های غلط غرب در قبال سوریه

بحران سوریه محصول مستقیم سیاست‌های غلط غرب و متحدان منطقه‌ای آمریکا در قبال این کشور است. تجهیز و تسلیح تروریست‌ها برای مقابله با دولت قانونی و مشروع سوریه که در چارچوب طراحی‌های کلان واشنگتن برای تغییر معماری و آرایش سیاسی خاورمیانه صورت می‌گیرد دلیل پیدایش، تداوم و تطویل بحران سوریه است. مسکو از ابتدا منتقد رفتارهای غرب در سوریه بود و نسبت به پیامدهای مخرب این سیاست‌ها هشدار می‌داد.

با توجه به اینکه غرب کماکان به سیاست‌های غلط خود در سوریه ادامه می‌دهد و تسلیح و آموزش تروریست‌ها را در دستور کار خود دارد مسکو درصدد برآمده است تا از طریق نقش‌آفرینی فعال‌تر در این بحران رفتار غرب را کنترل کرده و از وخامت بیشتر اوضاع جلوگیری نماید.

۲. حمایت از متحد خاورمیانه‌ای مسکو

از مهمترین انگیزه‌های روسیه برای تقویت حضور نظامی در سوریه حمایت مؤثر از این کشور به‌عنوان متحد استراتژیک خود در منطقه غرب آسیاست. لازم به ذکر است که مسکو و دمشق از دوران اتحاد جماهیر شوروی روابط نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. طی چهار سال اخیر و در جریان بحران ساخته و پرداخته قدرت‌های غربی و متحدان منطقه‌ای آنها نظیر عربستان و ترکیه نیز مسکو به‌شدت از دولت قانونی بشار اسد حمایت کرد و بر مشروعیت و قانونی بودن این دولت اصرار ورزید. در چنین شرایطی و با توجه به تداوم تحرکات و اقدامات دولت‌های متخاصم علیه دولت بشار اسد مقامات روسیه حمایت‌های خود از متحد منطقه‌ای‌شان را افزایش داده‌اند و بر همین اساس تصمیم گرفته‌اند که کمک‌های نظامی خود به دولت بشار اسد را مضاعف سازند.

لازم به ذکر است که روس‌ها رفتار و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا را در دوره پساجنگ سرد بر مبنای تلاش در جهت تحدید و تضعیف نفوذ مسکو تفسیر می‌کنند. از نظر آنها ایالات متحده برای دستیابی به این هدف راهبردهای مختلفی را مدنظر دارد که یکی از مهمترین آنها سرنگونی و تضعیف متحدان مسکو است. برخورد آمریکا در سال‌های گذشته در قبال کشورهایی چون یوگسلاوی سابق، جمهوری گرجستان، لیبی، اوکراین و دخالت واشنگتن در سرنگونی دولت‌های وقت این کشورها که متحد استراتژیک روسیه بودند از طریق راهبردهایی چون انقلاب‌های مخملی، برخورد نظامی و... این دیدگاه روس‌ها را تأیید می‌کند. بر این اساس روسیه تمام تلاش خود را به‌کار گرفته تا سیاست آمریکا در سرنگون ساختن یکی دیگر از دولت‌های نزدیک به مسکو را ناکام بگذارد.

۳. حمایت از محور ضد غرب در منطقه

با توجه به سیاست‌های خصمانه غرب در قبال روسیه که بخشی از آنها از طریق تشکیلات جمعی و نظام اتحادها و ائتلاف‌های غربی علیه مسکو به انجام می‌رسد موضوع ایجاد و تقویت ائتلاف‌ها، نهادها و اتحادیه‌های ضدغربی یکی از اولویت‌های سیاست خارجی روسیه در دوره پساجنگ سرد بوده است. حضور در سازمان همکاری شانگهای، مشارکت در گروه بریکس، ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا همگی در همین چارچوب قابل توضیح است. مسکو همچنین بسته به شرایط و با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به خود، از هر محور ضدغربی حمایت می‌کند. از آنجایی که دولت قانونی سوریه یکی از اعضای مهم محور ضدغرب در منطقه استراتژیک آسیای غربی است و با توجه به اینکه هدف اصلی غرب از مقابله با دولت بشار اسد تضعیف همین محور است، مسکو تلاش می‌کند تا از طریق افزایش حمایت‌ها و از جمله حمایت‌های نظامی از دولت بشار اسد نسبت به جلوگیری از تضعیف یکی از مهمترین محورهای ضدغرب در منطقه اقدام کند.

۴. جلوگیری از فرسایش نفوذ و موقعیت خود در غرب آسیا

روابط با سوریه این امکان را به مسکو می‌دهد تا در یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان یعنی آسیای غربی حضور مؤثری داشته باشد. کشورهایی که در این منطقه چنین امکانی را برای روسیه فراهم می‌آورند پرشمار نیستند. از این‌رو مسکو برای حمایت از دولت بشار اسد و جلوگیری از روی کار آمدن یک دولت وابسته به غرب در سوریه انگیزه‌های جدی دارد. لازم به ذکر است که

پایگاه نظامی طرطوس سوریه که در اختیار روس‌هاست تنها پایگاه نظامی آنها در خارج از حوزه شوروی سابق است. این مسئله اهمیت استراتژیک روابط با سوریه را برای مسکو نمایان می‌سازد. دسترسی به این پایگاه امکان حضور ناوگان روسیه در دریای مدیترانه را فراهم می‌کند و محیط عملیاتی روسیه در ورای مرزهای خود را وسعت می‌بخشد. چنین مزیتی سبب می‌شود که روس‌ها حتی تا سرحد هزینه نظامی به بحران سوریه واکنش نشان دهند و این واکنش در روزهایی که تروریست‌ها حجم فعالیت خود علیه دمشق را افزایش داده‌اند ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

۵. نگرانی از تسری افراط‌گرایی به داخل روسیه

روسیه برای مقابله با گروه تروریستی داعش انگیزه امنیتی مهمی دارد. علاوه بر اینکه این گروه تهدید مستقیمی را متوجه یکی از مهمترین متحدان منطقه‌ای مسکو می‌کند همچنین می‌تواند در داخل روسیه نیز تهدیدساز باشد. در حال حاضر ده‌ها تن از نیروهای تروریستی داعش از سرزمین‌های جنوبی روسیه و از مناطقی چون چچن و داغستان جذب این گروه شده‌اند. روسیه از یک طرف نگران پیوستن تعداد بیشتری از اتباع خود به این گروه است و از طرف دیگر بیم آن دارد که بازگشت این افراد به روسیه با تشدید اقدامات تروریستی در این کشور همراه باشد.

از سوی دیگر روسیه با تحرکات جدایی‌طلبانه در مناطق جنوبی خود مواجه است و گرایش‌ها و اگرایی‌ها در این مناطق از فردای فروپاشی شوروی مشکلات جدی و اساسی برای این کشور به وجود آورده است که جنگ چچن از مهمترین آنهاست. در سال‌های گذشته برخی عناصر تکفیری با حضور در مناطق جنوبی روسیه در کنار جدایی‌طلبان مناطق واگرا بر ضد سربازان روسی جنگیده و نیز برخی اقدامات تروریستی را در شهرهای مختلف روسیه و از جمله مسکو تدارک دیده بودند. اکنون روسیه این نگرانی را دارد که پیشروی تروریست‌های تکفیری در سوریه و قدرت‌یابی آنان از یک طرف محرکی برای تشدید اقدامات جدایی‌طلبان افراطی در مناطق جنوبی روسیه بوده و از سوی دیگر زمینه را برای تسری فعالیت‌های تکفیری‌ها در داخل روسیه فراهم نماید و امنیت این کشور را بیش از پیش تهدید کند.

نگرانی دیگر روسیه مربوط به تهدید امنیت جمهوری‌های تازه استقلال یافته در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز است. از آنجایی که در برخی از این جمهوری‌ها زمینه‌هایی برای فعالیت افراط‌گرایان فراهم است و گروه‌های سلفی و تکفیری این مناطق را به عنوان مناطقی مستعد برای اقدامات خود به حساب می‌آورند این نگرانی وجود دارد که تثبیت موقعیت تروریست‌های داعش در سوریه موجبات توجه و تمرکز بیشتر آنها بر مناطقی چون آسیای مرکزی را فراهم نماید و بدین ترتیب محیط پیرامونی روسیه بیش از پیش ناامن و بی‌ثبات شود. این ملاحظات امنیتی نیز نقش مؤثری در تصمیم اخیر روسیه برای افزایش حضور نظامی خود در سوریه به منظور مقابله با داعش و حمایت از دولت بشار اسد داشته است.

۶. تلاش برای تسریع فرآیند احیای قدرت بین‌المللی روسیه

روسیه در دوران ولادیمیر پوتین تلاش زیادی برای احیای موقعیت خود به عنوان یک بازیگر بزرگ بین‌المللی داشته است. این تلاش به‌ویژه با آگاهی از تمهیدات غرب برای مهار روسیه و محدود کردن این کشور به انجام رسیده است. از نظر روس‌ها لازمه بازیابی موقعیت ابرقدرتی مسکو کنش فعال آن در تحولات مهم بین‌المللی و به‌ویژه حضور فعال در فرآیندهای بحرانی منطقه‌ای و جهانی است. در واقع بدون برخورد فعال با جریان‌ها و روندهای بحرانی در نظام بین‌الملل مسکو نمی‌تواند داعیه یک بازیگر بین‌المللی را داشته باشد. با توجه به اینکه بحران سوریه از مدت‌ها پیش ابعاد و اهمیت بین‌المللی پیدا کرده، مسکو خود را ملزم به برخورد فعال با این بحران می‌بیند تا به‌عنوان یک بازیگر معتبر در فرآیند حل و فصل بحران‌ها در سطح جهان شناخته شود. اساساً

بازیگری که قادر باشد در ورای محیط پیرامونی اش رفتار کنشگرانه از خود بروز دهد می‌تواند خود را در قامت یک بازیگر بین‌المللی جلوه دهد. روسیه نیز با آگاهی از این امر حضور نظامی اش در سوریه را شدت می‌بخشد. این حضور با ایده بنیادین روسیه در حوزه سیاست بین‌الملل مبنی بر مخالفت با جهان تک‌قطبی و مشارکت در ایجاد جهان چندقطبی ملازمت دارد. از نظر روس‌ها فرآیند مدیریت بحران‌های بین‌المللی نباید بر مبنای اراده چند بازیگر معدود که در یک قطب و بلوک سیاسی تعریف می‌شوند تعیین گردد.

ملاحظات

۱. حضور نظامی روسیه در سوریه پیام و پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی در بردارد. این امر نشان‌دهنده تمایل مسکو برای توسعه قدرت ملی و گسترش حوزه نفوذ خود به ورای مرزهای دوران شوروی سابق و نشان‌دهنده تحولی راهبردی در سمت‌گیری‌های کرملین در نظام بین‌الملل است. این امر نقطه عطفی در سیاست خارجی روسیه به حساب می‌آید. در دوران بعد از فروپاشی شوروی تمرکز و توجه اساسی و گاه محض روس‌ها معطوف به حفظ منافع و نفوذ این کشور در حوزه موسوم به «خارج نزدیک» بود. تمام تلاش مسکو معطوف به جلوگیری از توسعه نفوذ غرب و به‌ویژه آمریکا و سازمان‌های تحت رهبری غرب نظیر ناتو به مناطقی بود که قبلاً تحت انقیاد اتحاد جماهیر شوروی قرار داشتند. حضور نظامی روسیه در سوریه اما نشان از حرکت استراتژیک مسکو به حوزه خارج دور دارد و نشانه بسط دامنه فعالیت‌های راهبردی روسیه در نظام بین‌الملل است. موفقیت مسکو در پیمودن این مسیر قطعاً هم برای مناطق استراتژیکی چون آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه خزر واجد پیامدهایی است و هم مناطقی چون غرب آسیا را بیش از پیش متأثر از نقش‌آفرینی روس‌ها خواهد ساخت.

۲. ورود فعال روسیه به معادلات پیچیده منطقه غرب آسیا از تحول صف‌بندی و آرایش بازیگران دولتی اثرگذار بر معادلات این منطقه حکایت دارد. مسکو در صورت تداوم این روند و جاهت «طرف سوم» را در معادلات منطقه پیدا خواهد کرد. اگر تاکنون بازیگران دولتی اثرگذار بر منطقه در دو طیف جبهه سازش و جبهه مقاومت تعریف می‌شدند، حضور روسیه می‌تواند به معنای ورود بازیگری جدید در معادلات منطقه باشد. به‌ویژه چنانچه ملاحظات روسیه در سوریه تحقق یابد این امر می‌تواند محرکی برای توسعه نقش‌آفرینی مسکو در سایر معادلات منطقه باشد. بالا بودن پتانسیل بی‌ثباتی در غرب آسیا و امکان بروز بحران‌های بیشتر در منطقه می‌تواند مسیر نقش‌آفرینی مسکو در ترتیبات منطقه و دخالت در فرآیند مدیریت مسائل آن را هموارتر کند.

۳. در حال حاضر در مورد حضور روسیه در معادلات منطقه غرب آسیا دو نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد. برخی کارشناسان در چارچوب یک نگاه خوش‌بینانه با توجه به مواضع ضدغربی روسیه، ورود فعالانه این کشور به معادلات غرب آسیا را به نفع جبهه مقاومت ارزیابی می‌کنند. از نظر آنها، نزدیکی مواضع مسکو به مواضع کشورهای چپ‌اندیش ایران و سوریه سبب خواهد شد که حضور روسیه در منطقه در نهایت به ضرر جبهه سازش باشد. با این حال دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که معتقد است حضور روسیه در منطقه نه بر مبنای مواضع و ملاحظات جبهه مقاومت بلکه بر اساس دغدغه‌ها و منافع خاص مسکو به انجام خواهد رسید که این امر الزاماً مطابق با منافع جبهه مقاومت نیست. آنها به‌ویژه با توجه به سابقه روسیه در حوزه سیاست خارجی از احتمال وجه‌المصلحتی قرار گرفتن منافع جبهه مقاومت از سوی این کشور در روابط با غرب سخن می‌گویند. روابط نزدیک مسکو با رژیم صهیونیستی نیز چنین احتمالی را تقویت می‌کند. طبعاً تحولات و حوادث آتی منطقه نشان خواهد داد که رفتار روسیه با کدام‌یک از دو دیدگاه مذکور مطابقت بیشتری خواهد داشت.

